

« به نام او ، به یاد او ، برای او »

*** قواعد درس ششم (الفعل المضارع ۲) ***

« جزوه درسی : یازدهم »

« دبیرستان : علامه حلی (۱) »

*** تهیه و تنظیم : فدایی / دبیر دبیرستان های حلی ***

« سال تحصیلی : ۹۶ - ۹۷ »

📖 « قواعد درس ششم » : « ترجمه الفعل المضارع (۲) »

مقدمه درسی : در درس قبل با فعل **مضارع التزامی** (حروف ناصبه بر سر مضارع منصوب) آشنا شدیم.

اکنون در این درس با حروف دیگری آشنا شویم که بر سر مضارع معمولی می آیند و تغییراتی را در ترجمه ی آنها و همچنین در آخر این افعال ایجاد می کنند.

اگر حروفی مانند « **لَمْ - لا - نهی** » (**لا - نهی**) - **حروف جازمه**) بر سر فعل مضارع بیایند تغییراتی را در آخر فعل مضارع ایجاد می کنند، که عبارتند از :

۱) صیغه هایی که به حرکت « **ضمه** » ختم می شوند، « **ساکن** » می پذیرند. (صیغه های ؛ ۱۴ و ۱۳ و ۷ و ۴ و ۱۰ و ۱۱)

مثال : لَمْ + يَكْتَسِبُ / لَمْ يَكْتَسِبْ / لَمْ تَكْتَسِبْ / لَمْ أَكْتَسِبْ / لَمْ نَكْتَسِبْ.

۲) مابقی صیغه ها که به حرف « **ن** » ختم می شوند (صیغه های ؛ ۲ و ۳ و ۵ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱)، « **نون آخرشان** » حذف می شود (به جز دو صیغه ۶ و ۱۲)

که هیچ تغییری در ظاهرشان ایجاد نمی شود. مثال :

لَمْ + يَكْتَسِبَانِ / لَمْ يَكْتَسِبَا / لَمْ تَكْتَسِبَا / لَمْ أَكْتَسِبَا / لَمْ نَكْتَسِبَا .
لَمْ + يَكْتَسِبِينَ / لَمْ يَكْتَسِبِيَنَّ / لَمْ تَكْتَسِبِيَنَّ / لَمْ أَكْتَسِبِيَنَّ (۶ و ۱۲)

◆ (۱) نکات مربوط به « حرف لَمْ » [حرف جازمه] :

۱- حرف « **لَمْ** » معنای فعل مضارع را به « **ماضی منفی ساده** یا **ماضی نقلی منفی** » تبدیل می کند.

مثال : - لَمْ يَكْتَسِبُوا : به دست نیاوردند / به دست نیاورده اند
- لَمْ تَكْتَبِي : نوشتی / نوشته ای

۲- حرف « **لَمْ** » را با حرف « **لِمَ** » (مخفف « **لِمَاذَا ؛ برای چه ؟** ») اشتباه نکنیم. با این توضیح که « **لِمَ** » هیچ تغییری در آخر فعل به وجود نمی آورد.

مثال : لَمْ يَكْرِمْ / لَمْ يَكْرِمُوا / لَمْ تَكْرِمُوا (باعث تغییراتی در فعل شده است)
- لَمْ يَكْرِمْ / لَمْ يَكْرِمُونَ / لَمْ تَكْرِمَانِ (بدون تغییر)

◆ (۲) نکات مربوط به « حرف لا - نهی » [حرف جازمه] :

۱- برای باز داشتن شخصی از انجام کاری به کار می رود.

۲- حرف « **لا** » (**نهی**) بر سر ۶ صیغه ی مخاطب معنای « **امر منفی** » می دهد. مثال :

- لا تَتَكَلَّمُوا : سخن نگویند // لا تَتَحَرَّكِي : حرکت نکن.

۳- و بر سر ۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم به صورت « **نباید + مضارع التزامی** » ترجمه می شود. مثال :

- لا يَتَكَلَّمُوا : نباید سخن بگویند // لا تَتَحَرَّكِي : نباید حرکت کنیم. (لای نهی بر سر صیغه های غائب و متکلم)

۴- حرف « **لا نهی** » را با حرف « **لا نفی** » اشتباه نکنیم. مثال :

- لا يَكْتُبُ : نباید بنویسد / لا تَكْتُبِي : ننویس / لا نَكْتُبُ : نباید بنویسیم (لای نهی بر سر فعلها)

- لا يَكْتُبُ : نمی نویسد / لا تَكْتُبِينَ : نمی نویسی / لا نَكْتُبُ : نمی نویسیم (لای نفی بر سر فعلها)

انواع « لا » :

۱) « **لای نفی** » : بر سر فعل مضارع می آید و هیچ تغییری در آخر فعل ایجاد نمی کند و فعل به صورت « **مضارع اخباری منفی** » ترجمه می شود.

(حرف « **لای نفی** » غیر عامل می باشد) مثال : - هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ... : آنها یاد نمی گیرند
- لَا تَعْلَمُونَ ... : شما نمی دانید

۲) « **لای نهی** » : بر سر فعل مضارع می آید و تغییراتی بیان شده را ایجاد می کند. (مجزوم می کند) و معنای فعل به « **امر منفی** » تبدیل می شود.

(حرف « **لای نهی** » عامل جزم می باشد) مثال : - لَا تَطْلُبُوا ... : طلب نکنید
- أَنْتِ لَا تَتَكَاَسَلِي : تو تنبلی نکن

☑ همانطور که بیان شد « **لای نهی** » بر سر صیغه های غائب و متکلم به صورت « **نباید + مضارع التزامی** » معنا می شود. - لَا يَتَكَاَسَلُوا : نباید تنبلی کنند.

◆ (۳) نکات مربوط به « حرف لـ » [حرف جازمه] :

۱- این حرف بر سر « ۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم » می آید.

۲- معنای فعل مضارع را به « باید + مضارع التزامی (مؤکد) » تبدیل می کند. مثال :

لِيَعْلَمَ كُلُّ انْسَانٍ ... : هر انسانی باید بداند ...
لِنَطْلُبُ جَمِيعًا ... : همی ما باید بدانیم ...

انواع « لـ » :

۱) « لـ جازه » (لام جازه) : این حرف بر سر اسم ها می آید که به اسم بعد از « مجرور به حرف جرّ » گفته می شود.

(لازم به ذکر است که تمامی مصادر (اعم از مجرد و مزید) « اسم » می باشند و اگر حرف « لـ جازه » بر سر آنها بیاید، « مجرور به حرف جرّ » می شوند)

مثال : اِشْتَرَيْتُ كِتَابًا لِصَدِيقِي : کتابی را برای دوستم خریدم. (لـ + صَدِيقِي ← صَدِيق : مجرور بحرف جرّ)

۲) « لـ ناصبه » (لام ناصبه) (در درس قبل توضیح داده شد)

۳) « لـ جازمه » (لام جازمه) (در کادر شماره (۳) توضیح داده شد)

چند راه مهم برای تشخیص « لـ ناصبه » از « لـ جازمه » :

۱) از طریق ترجمه فعل : « لـ ناصبه » به صورت « تا - تا اینکه - برای اینکه + مضارع التزامی » ترجمه می شود.

ولی « لـ جازمه » به صورت « باید + مضارع التزامی (مؤکد) » ترجمه می شود.

۲) « لـ ناصبه » بر سر « ۱۴ صیغه » فعل مضارع می آید، ولی « لـ جازمه » بر سر « ۶ صیغه غائب و ۲ صیغه متکلم » می آید.

← ← به این معناست که اگر « حرف لـ » بر سر ۶ صیغه مخاطب بیاید قطعاً « لـ ناصبه » می باشد. - لِتَكْتُبُوا : تا اینکه بنویسید (لـ ناصبه)

مثال : بُعِثَ النَّبِيُّ لِيَهْدِيَ النَّاسَ : پیامبر فرستاده شد تا مردم را هدایت کند. - الْمُسْلِمُونَ لِيَتَّحِدُوا فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ : مسلمانان باید در همه حال متحد شوند.

۳) « لـ ناصبه » غالباً داخل جمله می آید و وابسته به فعل دیگری است. (علّت وقوع فعل دیگری می باشد)

ولی « لـ جازمه » غالباً شروع کننده و تک فعل جمله بوده و به فعل دیگری وابسته نیست. (علّت وقوع فعل دیگری نمی باشد)

- هُوَ ذَهَبَ إِلَى السُّوقِ لِيَشْتَرِيَ الْفَاكْهَةَ : او به بازار رفت تا میوه بخرد. - الطَّلَابُ لِيُطَالِعُوا دَرُوسَهُمْ : دانش آموزان باید دروسشان را مطالعه کنند.

(اگر بخواهیم « لـ ناصبه » را ابتدای جمله بیاوریم ، غالباً ادامه ی جمله یک فعل ماضی می آوریم) مثال :

- لِأُدْرَسَ اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ : برای اینکه زبان عربی را تدریس کنم، به مدرسه رفتم.

📖 نکات ویژه ی درس : ↓↓↓↓↓

📌 نکته ۱ : اگر حروفی مانند « و - ف - ثَمَّ - ولكن » قبل از « لـ جازمه » بیاید ، حرکت آن (لـ جازمه) ساکن می شود. مثال :

- ف + لِيَعْبُدُوا ← فليعبدوا (پس باید عبادت کنند)
- ف + لِنَتَأَمَّلُ ← فلنتأمل (پس باید تأمل کنیم)

📌 نکته ۲ : اگر آخر فعلی ساکن بود (للغائبه ماضی) یا ساکن شد (صیغه های ۱ و ۷ و ۱۳ و ۱۴) و بعد از آن یک « اسم ال دار » آمده بود ،

حرکت « ساکن (ـ) » از آخر فعل حذف شده و به جای آن « کسره ی عارضی ـ » می گیرد. مثال :

۱) ساکن باشد : - ذَهَبْتُ + الطَّالِبَةُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ = ذَهَبْتُ الطَّالِبَةُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ . (کسره در « ذَهَبْتُ » عارضی می باشد)

۲) ساکن بشود : - لا تَطْلُبُ + السِّيئَاتِ أَبَدًا = لا تَطْلُبُ السِّيئَاتِ أَبَدًا . (کسره در « لا تَطْلُبُ » عارضی می باشد)

نکته ۳ □ : اگر « حرف لـ » بر سر ضمایر متصل (لَ - هُمَا - هُمْ - هَا - هُنَّ - هُنَّ - ... - نَا) [به جز ضمیر « ی »] بیاید،

حرکت « لـ » با « فتحه ـ » خوانده می‌شود. مثال :

لـ + كُمْ = كُمْ لـ + نَا = نَا لـ + هُنَّ = لِهِنَّ لـ + ی = لی

نکته ۴ □ : با معانی حرف « لـ » در عبارات مختلف آشنا شویم :

الف) حرف « لـ » بر سر اسم :

۱) « حرف لـ » به معنای « مال ـ از آن » [حرف جرّ « لـ + اسم »] :

لِمَنْ هَذِهِ السَّيَّارَةُ : این ماشین مال کیست ؟

۲) « حرف لـ » به معنای « برای » [حرف جرّ « لـ + اسم »] :

خَرَجَ الرَّجُلُ لِكَسْبِ الرِّزْقِ لِأُسْرَتِهِ : مرد برای کسب روزی برای خانواده‌اش خارج شد.

۳) « حرف لـ » به معنای « داشتن » [حرف جرّ « لـ + ضمیر یا اسم در ابتدای جمله »] :

لَنَا مَعْلَمٌ شَهِيرٌ فِي مَدْرَسَتِنَا : معلمی مشهور در مدرسه‌مان داریم.

ب) حرف « لـ » بر سر فعل مضارع :

۱) « حرف لـ » به معنای « تا / تا اینکه / برای اینکه + مضارع التزامی » [حرف ناصبه « لـ + فعل مضارع منصوب »] :

ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةَ الْجَوَالِ : به بازار رفتم تا اینکه باتری تلفن همراه بخرم.

۲) « حرف لـ » به معنای « باید + مضارع التزامی » [حرف جازمه « لـ + فعل مضارع مجزوم »] :

نَحْنُ لِنَسْتَوَكِّلُ عَلَى اللَّهِ فِي الْحَيَاةِ : ما باید در زندگی بر خدا توکل کنیم.

نکته ۵ □ : در زبان عربی برای بیان اجبار و الزام (باید) از راه‌های زیر استفاده می‌کنند :

۱) « حرف جرّ عَلَيَّ » در ابتدای جمله ؛ عَلَيْنَا بِالتَّشْكُرِ : باید تشکر کنیم.

۲) « فعل يَجِبُ » + عَلَيَّ ؛ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَهِدَ : باید (واجب است) که تلاش کنیم.

۳) « حرف لـ امر » (جازمه) بر سر فعل مضارع ؛ لِأَجْتَهِدَ فِي أُمُورِي : باید در کارهایم تلاش کنم.

تمرین ۱) : انواع فعل‌های خواسته شده را با ترجمه‌شان بسازید :

- « با حرف لَمْ » :

۱) لَمْ + يُشَاهِدُنْ / /
 ۲) لَمْ + تُجَالِسُ / /
 ۳) لَمْ + تُحَاوِلَانِ / /
 ۴) لَمْ + تَذَهِّبِنَ / /
 ۵) لَمْ + تَتَنَاوَلُونَ / /
 ۶) لَمْ + تَتَدَبَّرْنَ / /

- « با حرف لَا (نهی) » :

۱) لَا + تَقْرَبَانِ / /
 ۲) لَا + تُشَاهِدِينَ / /
 ۳) لَا + تَتَّبِعْ / /
 ۴) لَا + أَقْدِمْ / /
 ۵) لَا + تُتَزَّيْنِ / /
 ۶) لَا + يُقْرَبُونَ / /

- « با حرف لـ (جازمه) » :

۱) لـ + نُقْرَبُ / /
 ۲) لـ + يُحَاوِلْنَ / /
 ۳) لـ + يَتَنَاوَلُ / /
 ۴) لـ + يَتَّبِعْنَ / /
 ۵) لـ + يُشَاهِدُونَ / /
 ۶) لـ + أَتَدَبَّرُ / /

♦ تمرین ۲ : « انواع فعل مضارع [مرفوع و منصوب و مجزوم] را در عبارات زیر تعیین کنید » : ↓↓↓↓↓↓

- ۱) « أريدُ أن أذهبَ إلى سوقِ الحَقائبِ ! » :
- ۲) « إنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بقومٍ حتَّى يُغَيِّرُوا بأنفسِهِم ! » :
- ۳) « أَلَمْ تَعَلِّمْ أنَّ اللهَ هو يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ ! » :
- ۴) « لَنْ تَنَالُوا البرَّ حتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ » :
- ۵) نحنُ نتناولُ الرِّمَّانَ لِتكوِينِ الكِرياتِ الحِمرَاءِ في جِسمِنا ! :
- ۶) لَيْسَتِيقِظُ كُلُّ المُسْلِمِينَ مِنْ نَوْمِ الغَفْلَةِ حتَّى يأخِذوا حَقَّهُم مِنَ الظَّالِمِينَ ! :
- ۷) أَنتُمْ تُسافِرونَ إلى ذلِكَ البَلدِ لِتُفْتَشُوا عَنْ مَوْضِعِ مُهْمٍ ! :
- ۸) ما تَفَعَّلِي مِنْ أَعْمالِ الخَيْرِ تُشاهِدِي ثَمَرَتَهُ في حَياتِكَ ! :
- ۹) إن تَرَفَضُوا ما يَعرِضُهُ الغُربُ عَلَيبِكُمْ مِنَ التَّحَلُّلِ وَالفِسادِ تَفوزوا في الدُّنْيا وَ الآخِرَةِ ! :
- ۱۰) هُوَلاءِ التَّلَامِيذُ لَمْ يَهْمِلُوا في أداءِ واجِبَاتِهِمْ لِيفوزوا في جَميعِ الإِمْتِحاناتِ ! :
- ۱۱) مَنْ لَمْ يَجْعَلْ حَيَاةَ العُلَماءِ وَسِيلةً لِهَدايَتِهِ يَضِلُّ : :
- ۱۲) الطُّلَّابُ لِيَجْتَهِدُوا في الدُّروسِ وَ لِيُساعدوا أَصْدِقائَهُمْ ! :
- ۱۳) لِنَسْتَمِعَ إلى كِلامِ مَنْ يُلقِي مُحاضِرَةً حتَّى يُرْفِعَ شَأننا ! :
- ۱۴) مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ ضَميرِهِ واعِظٌ، فَلَنْ يَكُونَ مِنْ عِنْدِ اللهِ حَافِظًا ! :
- ۱۵) يَجِبُ أَلَّا نَسْمَحَ لِلآخِرِينَ أَنْ يَسْبِقونا بِالْعَمَلِ بِالقرآنِ ! :
- ۱۶) العالِمُ يَقومُ بِالْعَمَلِ وَ لَنْ يَسْتَطِيعَ أَحَدٌ أَنْ يَقْرَأَ مِنْ هَذِهِ السَّنَةِ الإِلَهِيَّةِ ! :
- ۱۷) لَمْ يَرْجِعِ إِخوتنا، فَلَنصَبِرَ حتَّى نُشاهِدَهُمْ لِأَنَّهُمْ يَنْتَظِرُونَ مَنَّا مُساعِدَةً ! :
- ۱۸) « قالَتِ الأعرابُ آمنا، قُلْ لَمْ تَؤْمِنوا وَلَكِنْ قُولوا أَسَلَمنا » :
- ۱۹) لا تَظَلِّمْ كَما لا تُحِبُّ أَنْ تُظَلَّمَ وَ أَحسِنْ كَما تُحِبُّ أَنْ تُحَسَّنَ إِلَيْكَ ! :
- ۲۰) إنَّ الإِمْتِحاناتِ تُساعدُ الطُّلَّابَ لِيتَعَلَّموا دَروسَهُمْ، فَلْيَعَلِّمُوا ذلِكَ وَ عَلَيبِهِمْ أَنْ لا يَخافوا مِنْها ! :

کانال تلگرام ↩ / @Arabicfadaei

محل یادداشت نکات



« کلمات و لغات درس ششم »

۱) اُردیّة : اُردو	۱۷) صَمَدٌ : بی نیاز
۲) اُسَلِمَ : اسلام آورد (مضارع : يُسَلِمُ / أمر : اُسَلِمْ / مصدر : اِسْلَام)	۱۸) عَدَّ : به شمار آورد (مضارع : يُعَدُّ)
۳) اُشَارَ : اشاره کرد (مضارع : يُشِيرُ / أمر : اُشِرْ / مصدر : اِشَارَةٌ)	۱۹) فَخْرِیَّةٌ : افتخاری
۴) اَطْعَمَ : خوراک داد (مضارع : يُطْعِمُ / أمر : اَطْعِمْ / مصدر : اِطْعَام)	۲۰) فَرَنَسِیَّةٌ : فرانسوی
۵) اَلْتَقَى : انداخت (مضارع : یُلْتَقِی / أمر : اَلْتَقِ / مصدر : اِلْتِقاء)	۲۱) قَارِبٌ : نزدیک شد (مضارع : یُقَارِبُ / أمر : قَارِبْ / مصدر : مُقَارَبَةٌ)
۶) اَلْتَقَى مُحَاضِرَةً : سخنرانی کرد	۲۲) لِمَ : بر سر فعل مضارع ؛ « باید / برای اینکه »
۷) اِنجِلِیزِیَّةٌ : انگلیسی	۲۳) لا : حرف نفی فعل مضارع / حرف نهی فعل مضارع
۸) اُنْقَرَتْ : آنکارا	۲۴) لَمْ : حرف نفی فعل مضارع مجزوم
۹) اَوْصَى : سفارش کرد (مضارع : یُوصِی)	۲۵) کَفُوْهُ : همتا
۱۰) تَقَافَةٌ : فرهنگ (تَقَافٌ : فرهنگی)	۲۶) مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی
۱۱) جوع : گرسنگی	۲۷) حَصَلَ عَلَی : به دست آورد (مضارع : یَحْصُلُ / أمر : اَحْصِلْ / مصدر : حُصُول)
۱۲) مَدَّ : کشیدن ، گستردن	۲۸) مُسْتَشْرِقٌ : خاور شناس
۱۳) حَضَرَ : تمدّن	۲۹) مُعْجَبَةٌ بِـ : شیفته‌ی
۱۴) دُكْتُوراه : دکترا	۳۰) مُقَابَلَةٌ : مصاحبه
۱۵) شَهَادَةٌ : مدرک	۳۱) وَلَدٌ : زایید (مضارع : یَلِدُ / أمر : لِدْ / مصدر : وِلَادَةٌ)
۱۶) مُنْدٌ : از	۳۲) شَكَّلَ : تشکیل داد (مضارع : یُشَكِّلُ / أمر : شَكِّلْ / مصدر : تَشْکِیل)

« کلمات مترادف درس ششم »

۱) تَعَدُّ = تَحَسَبُ (به حساب می آورد، به شمار می رود)	۵) طُفُولَةٌ = صِغَرٌ (کودکی ، خردسالی)	۹) شَأْنٌ = مَقَامٌ (مقام)
۲) حَصَلَ عَلَی = اِكْتَسَبَ (به دست آورد)	۶) سَنَةٌ = عَامٌ (سال)	۱۰) دِرَاسَاتٌ = اُبْحَاثٌ (پژوهش‌ها)
۳) فَرَائِضٌ = واجبات = تَكَالِيفٌ (واجبات ، تکالیف)	۷) لِسَانٌ = لُغَةٌ (زبان)	۱۱) هَدَفٌ = غَايَةٌ (هدف، پایان)
۴) قَوْلٌ = کلام = تَكَلُّمٌ = حَدِيثٌ (سخن ، کلام)	۸) حَیْنٌ = لَمَّا (هنگامی که)	۱۲) اَلْفَتْ = كَتَبَتْ (نوشت، نگاشت)

« کلمات متضاد درس ششم »

۱) شَرِقٌ (مشرق) # غَرَبٌ (مغرب)	۹) تَحَزَنٌ (ناراحت می شوی) # تَفَرَّحٌ (شاد می شوی)
۲) بَدَأَ (شروع کرد) # خَتَمَ (تمام کرد، به پایان رساند)	۱۰) تُحِبُّ (دوست می داری) # تَكْرَهُ (ناپسند می داری)
۳) حَصَلَ عَلَی (به دست آورد) # فَقَدَ (از دست داد)	۱۱) اَعْطَى (داد) # اُخَذَ (گرفت)
۴) دَرَسَ (درس داد) # دَرَسَ (درس خواند)	۱۲) عَدَاوَةٌ (دشمنی) # صَدَاقَةٌ (دوستی)
۵) یُقَارِبُ (نزدیک می شود) # یَبْتَعِدُ (دور می شود)	۱۳) عَاقِلٌ (خردمند) # جَاهِلٌ (نادان)
۶) وَفَاتٌ (مرگ، فوت) # وِلَادَةٌ (تولد، به دنیا آمدن)	۱۴) لَكَ (برای تو) # عَلَیْكَ (بر ضد تو)
۷) مَاتَ (مُرد) # وُلِدَ (متولد شد، به دنیا آمد)	۱۵) آمَنَّا (ایمان آوردیم) # کَفَرْنَا (کافر شدیم)
۸) قَصِیرٌ (کوتاه) # طَوِیلٌ (طولانی)	۱۶) شِتَاءٌ (زمستان) # صَیْفٌ (تابستان)

***** « جمعهای مکسر درس ششم » *****

- | | | |
|--------------------------------------|---|---|
| ۱) أَحَادِيث ← حَدِيث (سخن، نو) | ۷) بِلَاد ← بَلَد (کشور، شهر) | ۱۳) شَبَاب ← شَاب (جوان) |
| ۲) أَدْعِيَة ← دُعَاء (دعا، نیایش) | ۸) جُسُور ← جِسْر (پُل) | ۱۴) فَرَائِض ← فَرِيضَة (واجب دینی) |
| ۳) أَنْفُس ← نَفْس (روح، خود) | ۹) جُمَل ← جُمْلَة (جمله) | ۱۵) فَضَائِل ← فَضِيلَة (برتری) |
| ۴) أَعْرَاب ← عَرَب (عرب) | ۱۰) حَقَائِق ← حَقِيقَة (حقیقت، واقعیت) | ۱۶) قَوَاعِد ← قَاعِدَة (قاعده) |
| ۵) أَصْدِقَاء ← صَدِيق (دوست) | ۱۱) دُوَل ← دَوْلَة (دولت، حکومت، کشور) | ۱۷) مَظَاهِر ← مَظْهَر (نشانه، ظاهر، اثر) |
| ۶) أُمُور ← امر (دستور، کار، امر) | ۱۲) زُمَلَاء ← زَمِيل (همشاگردی، همکار) | ۱۸) مَيَادِين ← مَيْدَان (میدان، عرصه) |

محل یادداشت نکات

